

نامه‌های رسیده

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر جواد اژه‌ای ریاست محترم سمپاد

با تشکر و احترام

این نامه را از مرکز راهنمایی تیزهوشان شهر ... ارسال می‌کنم. مدیر و معاون و بعضی از دبیران این مرکز با مدرسه غیرانتفاعی راهنمایی ف ... یک باند کامل هستند. بچه‌ها برای قبولی در دبیرستان تیزهوشان باید در کلاس مدرسه غیرانتفاعی ف. و س. شرکت کنند تا آقای ح. راضی شود. از هر دانش آموز برای کلاس ۱۰۰۰۰ تومان (ده هزار تومان) می‌گیرند؛ اگر در هر کلاس ۳۰ نفر باشند می‌شود ۳۰۰۰۰۰ تومان. آقای ... مدیر مرکز ما هم از مدرسه غیرانتفاعی ف. حمایت کامل دارد؛ نمی‌دانم شریک آن مدرسه هست یا نه، ولی همه می‌گویند آنها شریک هستند و با چشم خویش دیدیم که سؤال‌های کلاس سوم مرحله اول امسال را بچه‌ها می‌دادند به آقای ح. دبیر ریاضی آن مرکز که بچه‌ها را تقسیم کرده بود که هر نفر ۱۰ سؤال بنویسد و بیاورد و اینها تبلیغات مدرسه ما برای این مدرسه غیرانتفاعی است. نمک می‌خورند و نمکدان می‌شکنند. جناب دکتر تقاضامندم در مورد سؤال‌های امتحان که آقای ح. بچه‌ها را مأمور کرد برایش بیاورند، شدیداً برخورد کنید که سال‌های بعد هم تکرار نشود. بعد می‌گویند در سمپاد پارتی بازی شده! در قبال تیزهوشان، غیرانتفاعی ف. میلیارد شده ولی آبروی تیزهوشان را می‌برند. ما خود بارها دیده‌ایم که بچه‌های دکتر و مهندس و پولدارها را آقای ح. دبیر ریاضی و ... دعوا می‌کند که اگر سوم قبول نشدید به من مربوط نیست و حتماً باید کلاس من بیاید تا قبول شوید و هر سال هم یک چوبی زمین می‌زنند که کسی حرف نزنند. هر سال یک دبیر ریاضی را از

مدرسه بیرون می‌کنند تا آقای ح. همچنان یکه‌تاز میدان باشد. آقای دکتر این موارد را به نمایندگی سمپاد در شهرمان ... بارها نوشته‌ایم ولی دریغ از کوچکترین برخورد. آقای ... را هم می‌گویند شریک است و آقای معاون هم همینطور. آقای دکتر به فریاد مردم برسید. آقا هیچ‌کس جرئت ندارد با اینها حرف بزند.

آقای دکتر کتاب‌های مبتکران و قلم چی و ... آقای ... معاون می‌آورد در مدرسه و به قیمت پشت جلد می‌فروشد.

آقا، فروش کتاب و کباب و فروشگاه مدرسه و پول برای امتحانهای بی‌خودی مبتکران نفری ۴۰/۰۰۰ تومان و همت جاودان ... آقای دکتر، آقای ... معاون اینجا شعبه بانک ملی باز کرده و فقط کارش پول گرفتن است، در مدرسه در طول روز یا از بچه‌ها پول کتابها را می‌گیرد یا پول کلاسها را یا کباب می‌فروشد و یا کتاب و هر وقت کار نداشت نسیه‌ها را جمع می‌کند. آیا اینها کارهای معاون است؟ تو را به خدا رسیدگی کنید. ما جزئی را نوشتیم و وظیفه معاون را در تیزهوشان ترا به خدا مشخص کنید که فروش کباب و کتاب و ... است یا چیز دیگر.

آقای دکتر از شما خواهش‌مندم از آقای ... (مسئول دفتر سمپاد) بپرسید که چرا در طول سال تحصیلی گذشته که ما چند نامه به او نوشتیم، او مسائل را به اطلاع شما نرساند و اهمیت نداد. ما زمان مدیرکل قبلی که آقای مسئول دفتر دوست او بود، مسائل را گفتیم، بدتر شد که بهتر نشد. در زمان آقای مدیرکل جدید هم گفتیم بدتر شد که بهتر نشد.

آیا آقای ح. دبیر ریاضی و ... نمی‌شود برود مدرسه دیگر؟! آقای ح. از شهرش که به مدرسه ما آمد هیچی نداشت، حالا میلیاردر است، با آقای ... و غیرانتفاعی. اداره کل هم اینها را می‌داند، ولی اصلاً اینها را رها کرده است.

شما حتماً رسیدگی کنید و از مسئول دفتر سمپاد بپرسید چرا شما را در جریان قرار نداده‌اند و بفرمائید نامه‌های قبلی را حتماً برای شما بفرستند. آقای دکتر از مسئول دفتر سمپاد و مدیرانمایی بپرسید استفاده کتاب‌ها و کباب‌ها و پول سوم راهنمایی‌ها و فروش کتابخانه چه شد. اینجا می‌گویند پارتی مدیرانمایی خیلی کلفت است. آقای دکتر مدیر ما فقط یک روز در طول سال کامل آمده به مدرسه و نرفته کارهای دیگر بکند، آن هم روز شنبه ۱۵ اردیبهشت. مسئول دفتر دوره آقای مدیرکل قبلی از مدیر پسرانه راهنمایی حمایت کرد و مدیر راهنمایی پسرانه هم به واسطه نفوذش الان از مسئول دفتر حمایت می‌کند. قسمتی از مشکلات را گفتیم. اگر رسیدگی شد بعداً باز هم می‌نویسیم.

با تشکر فراوان

جمعی از اولیا مدرسه راهنمایی ... شهر ...

● استعدادهای درخشان: رنجی که شما می‌برید رنج ما نیز هست، از کلیات موارد فوق هم مطلع هستیم، منتها بعضی‌ها به خوبی از هر موقعیتی بهره‌برداری می‌نمایند و از آب هم کره می‌گیرند. طلب‌کاری و دست‌پیش‌گرفتن هم از مشخصات آنان است. سمپاد هم در مورد مراکز استان‌ها کار عمده‌ای از سال ۱۳۸۰ به بعد نمی‌تواند انجام دهد.

به نام خدا

پدر عزیزم سلام

ببخشید که این نامه نه نگارشش و نه نحوه‌ی ارسالش هیچ‌کدام رسمی نیست. راستش پدر عزیزم نمی‌توانم برای شما رسمی بنویسم. پدرم، روز افتتاحیه [هفدهمین دوره مسابقات قرآن] حرف‌هایتان در عین اینکه خنده را بر لبان ما نقش می‌زد، بوی غم می‌داد، حرف‌هایتان از جنس خداحافظی بود (که امیدوارم اینطور نباشد). بابای گلم من تنها همین یک بار شما را دیده‌ام اما چنان شیفته‌ی شخصیت مهربان و دلسوز شما شده‌ام که آن شب (شب افتتاحیه) چون شنیده بودم شما قصد رفتن و کناره‌گیری از سازمان را دارید، مانند کودکان می‌گریستم.

بابا اگر شما بروید ما سمپادی‌ها یتیم می‌شویم و پدر خوانده‌ها هم که به اندازه‌ی پدرها مهربان و دلسوز و دوست‌داشتنی نیستند. بابای خوبم، می‌دانم به شما سخت می‌گذرد ولی به خاطر فرزندان‌تان تحمل کنید. من هم قول می‌دهم برایتان دعا کنم که خدا کمکتان کند. بگذارید دل‌مان خوش باشد که سال دیگر همین موقع شما را ببینیم، با شما نماز بخوانیم و پای سخنان‌تان بنشینیم و لذت ببریم. بگذارید خوشحال باشیم که هدیه‌ی خود را از دست بابا می‌گیریم و او را از فاصله‌ی یک قدمی می‌بینیم.

پدر، من خیلی دوست دارم باعث افتخار شما باشم ولی چه کنم که المپیادی نیستم. البته تصمیم گرفته‌ام در المپیاد زیست شرکت کنم و تلاش خود را می‌کنم هر چند به نظرم دیر شده است (من امسال به سوم دبیرستان می‌روم). البته این شمایید که به ما انگیزه و امید می‌دهید. ببخشید که این دختر کوچکتان وقتتان را گرفت. خداحافظ. راستی پدر برای ماندن‌تان نذر کرده‌ام، حالا شما می‌دانید و امام حسین (ع). [باز هم ببخشید.] بابا این را بدانید که اگر شما بروید غبار غم بر دل‌های همه‌ی سمپادی‌ها خواهد نشست و خواهش می‌کنم با قلبتان تصمیم بگیرید نه با مغزتان. جسارت‌م را ببخشید.

فرزندگان شهر ...

ر.ح.

● استعدادهای درخشان: تردیدی نیست که انجام وظیفه در هر بخشی از نظام مقدس ما، ما به افتخار

است، ولی قواعد جاری بر هر دستگامی نیز لازم‌الاجراست. لذا چنانچه براساس قواعد و قوانین مسؤولان ذیربط تصمیمی اتخاذکنند، همراهی با آنان در راستای استمرار خدمت قبلی است.

به نام صاحب جان، خالق عشق

«تمام عمر زحمت کشیدیم تا راحت زندگی کنیم، البته عمر می‌گذرد و راحتی راحت نشستن و آرامش را لمس نمی‌کنیم»
«شهید علم الهدی»

با سلام و درود به روح مطهر بنیانگذار جمهوری اسلامی و فرزندان و سربازان در گهواره‌اش که همچون مسیحا در گهواره شعار عشق سر دادند و با خون پاک خود صفحه‌تاریخ را رنگین کردند. بگذارید در این وادی وارد نشویم.

«عشق را هرچه گویم شرح و بیان چون به عشق آیم خجل باشم از آن»

مولانا

بگذارید ساده‌تر بگویم؛

بابا اژه‌ای عزیز، معلم گرامی و به یادماندنی. من در سه دوره از این مسابقات [مسابقات قرآن سمپاد] شرکت کرده‌ام و هر بار با چهره‌های نورانی و شاداب بیچه‌هایی روبرو شده‌ام که کمتر دیده می‌شود. به ویژه این که کنگره‌ها با دیدار شما قرین بود ...

«دیدن روی تو را دیده‌ام جان بینی باید وین کجامر تبه چشم جهان بین من است»

حافظ

که از زیباترین لحظه‌ها برای سمپادی است.

در این سه سال نکاتی دیدم که لازم می‌دانم یادآوری شود. اولین نکته همان عریضه قدیمی است که وضعیت داورانی و داوری، به ویژه در رشته قرائت (بخش پسران)، فوق‌العاده ضعیف است به طوری که گویی داوران محترم تا کنون قرآن را باز نکرده‌اند و حتی چند خطی محض شادی روح یکی از عزیزانشان هم نخوانده‌اند.

برای روشنی این مطلب باید یادآور شوم که در تمام سطوح مسابقات قرائت، از ۴ استاد مجرب استفاده می‌گردد نه ۳ معلم دینی، دانشجویان رشته‌های غیرمرتبط با قرآن و یاکسانی که در سال‌های پیش که قرائتشان را در همین مسابقات سمپاد شنیده‌ایم حتی از خودمان هم بدتر می‌خواندند (و می‌خوانند). به طور مثال وقتی در مسابقات قرائت امسال از یکی از داوران محترم رشته قرائت - که به

قول خودشان گویا داشتن هیكلی بزرگ یکی از مهمترین فاکتورها برای داشتن قرائتی مناسب می‌باشد - خواسته شد که چند آیه‌ای برای دوستان قرائت کنند تا با مشاهده توانایی ایشان در امر قرائت خیال برویج از داشتن داوری قابل اطمینان و کار درست راحت گردد، گفتند صدایم خسته است و به جای آن «صلّ الله علی آل محمد» را به طوری غیر قابل پیش بینی خواندند و ما که انتظار داشتیم از قرائت زیبای ایشان کف کنیم، کف کردیم، ولی نه از قرائت زیبایشان.

از داوری تجوید هم نگویید که دلمان خون است. حتماً می‌دانید که تجوید، مهمترین و امتیازآورترین بخش در مسابقات قرائت است (۴۰ نمره از ۱۰۰ نمره). پس اهمیتش معلوم شد. ولی متأسفانه در این دوره از کنگره، داوران محترم در کمال تعجب ما گفتند که تجوید زیاد مهم نیست! و ما رویش سخت‌گیری نمی‌کنیم (و نکردند) و طبق گفته خودشان فقط در حد کتاب «حلیة القرآن ۱» امتیاز می‌دهیم (بادللی نامعلوم) که البته فقط سطحی‌ترین مسائل تجوید در آن ذکر شده است. (عجب!!!) این‌ها مطالبی بود که دانستنشان برای شما ضروری است. امیدوارم این بار نادیده گرفته نشود و واگذار به رئیس جمهور بعد نگردد. هرچند به قول سعدی:

«سعدیا گرچه سخندان و مصالح‌گویی به عمل کار برآید به سخن دانی نیست»

و سوم: نکته‌ای درباره مرکز دبیرستان ...

می‌دانم تعویض مدیریت مدرسه با موافقت سمپاد نبوده است (و نیز بدون موافقت دانش‌آموزان) اما کاری نکنید که به قول بیهقی - مورّخ و نویسنده بزرگ ایرانی - مردمان گویند: «شرم باد این پیر را» اختلافات را کنار گذاشته و به درستی و صداقت با یکدیگر همکاری کنید که در غیر این صورت حاصلی ندارد جز آسیب رساندن به آنهایی که تا ۴ سال دیگر در این مدرسه درس می‌خوانند (مثل آسیبی که خودمان امسال با آن روبرو شدیم) و شکست و فتح آن‌ها را به پای سمپاد می‌نویسند. راستی این نکته دوم بود نه سوم ببخشید.

و نکته آخر و (سوم): سعی کنید این فضای حاکم بر مسابقات را صمیمی نگه دارید و بگذارید فرصتی برای خلوت دلهای دانش‌آموزان با شما باشد که این امر به نظر حقیر بسیار مهم‌تر از این نامه‌نگاری‌ها می‌باشد، گرچه می‌دانم که این مسئله برای شما روشن است که:

«زیره را من سوی کرمان آورم گر به پیش تو دل و جان آورم»

«مولانا»

سرانجام من از دل سرزمینی کویری سخن می‌گویم. از جایی که ستارگان آسمانش را زیباتر می‌کند. امیدوارم با کمک خداوند و یاری قرآن و دعای بزرگان و همت بندگان، ستاره ۸ گوشه سمپاد زیباترین

ستاره‌ای باشد که زینت بخش آسمان دلم گردد.

«والسلام»

دبیرستان ... آ.ا.

● استعدادهای درخشان: الف: عزیز سمپادی، هدف اصلی برای مسابقات قرآن سمپاد، راهیابی به مرحله نهایی و انس شما قرآنیها با هم است. لذا از این جهت زیاد سخت‌گیری نکنید، هر چند موارد مکتوب شما را به اطلاع دبیر کنگره رساندیم. همان‌طور که می‌دانید تنها مسابقه‌ای که در آن به همه راه‌یافتگان هدیه کامل داده می‌شود، این مسابقات است. بنابراین بر سر رتبه دعوا نشود، عشق بورزید، محبت هدیه کنید و خاطره با خود به شهرتان ببرید!

ب: در مورد تغییر عجولانه و غیرارزشی مدیر دبیرستان شما و همین‌طور مسئول سمپاد در استان، با وجودی که براساس ضوابط، استان حق چنین اقدامی را نداشت ولی به اطلاع شما می‌رسانیم صرفاً به خاطر دانش‌آموزان، مدیریت تحمیلی مرکز را تأیید کردیم، ولی چون دفتر سمپاد در استان، نقشی در مسائل مرکز نداشت، کماکان او را تأیید نکردیم و ایشان و کارشناسان هم در آستانه هفدهمین جشنواره قرآنی سمپاد، ماهیت خودشان را به ما فوق خود نشان دادند که برای ما از قبل محرز بود. بنابراین برای مراکز سمپاد در این استان هیچ کاستی رخ نداده است. در مسابقات (قرآن، ورزشی و علمی) و همین‌طور آزمون‌های مشترک سراسری برایتان کم نگذاشته‌ایم که اگر چنین کرده بودیم همانچه را که نوشته‌اید لایقش بودیم.

بسم رب الشهداء والصدیقین

سپاس و ستایش مخصوص خدایی است که اجازه‌ی نفس کشیدن را می‌دهد.

باسلام و عرض خسته نباشید خدمت استاد محترم

جناب آقای دکتر آژه‌ای

اینجانب ا.ط. از دبیرستان.... مزاحم اوقات شریف شما می‌گردم. این سومین باری است که در کنگره‌ی قرآن سمپاد شرکت می‌کنم و به خدمت شما می‌رسم ولی حالا یادم افتاده که چه خوب است نامه‌ای برای شما بنویسم.

الحمد لله مرکز خوبی داریم و تقریباً بر پیرامون درس‌ها خوب کار می‌کنند و کادر اجرایی خوبی داریم.

لازم است از شما و تمام دوستانتان طبق آیه‌ی: «مَنْ لَمْ يَشْكُرْ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» تشکر کنم که

با ایجاد این محیط آموزشی، موجبات شکوفایی دانش آموزان مستعد را فراهم می‌سازید. اینجانب عادت به شکایت و اعتراض ندارم، چرا که معتقد هستم شایسته نیست که از این همه خوبی‌های خدا استفاده کنیم، ولی از چند بدی ناچیز شکایت کنیم، آن هم معلوم نیست که بدی هست یا نه: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ». ولی بعضی از امور هستند که نیاز به شکایت دارند، البته نه به خالق بلکه به مخلوق. چون در غیر این صورت خسارت و زیان برای عمر ما خواهد رسید. خود شکایت هم انتقاد است.

ماه‌یچ وقت جسارت نمی‌کنیم. اغلب مراکز کشور تا ساعت ۵ بعد از ظهر کلاس دارند ولی مرکز آموزشی ما تا ساعت ۱ برنامه دارد. هر چه در این مورد از مدیر می‌پرسیم جوابی قانع‌کننده نمی‌شنویم. از شما خواهش‌مندم که پاسخ این سؤال را بفرمایید.

مسئله دیگر همین کنگره‌ی قرآنی سمپاد می‌باشد که متأسفانه دبیرستان ما در این مورد ضعیف می‌باشد. در مقابل دیگر مراکز که برای کنگره هم وقت و هم هزینه صرف می‌کنند، مدرسه ما ضعیف می‌باشد و مسئله‌ای دیگر این است که مرکز ما در مورد مسائل دینی و اخلاقی و عقایدی هیچ فعالیتی ندارد، به طوری که آمار نمازگزاران در دبیرستان بسیار پایین می‌باشد. در تازه‌ترین مجله سمپاد آماری در مورد وضع نمازخانه‌ها و نماز جماعت داده بودید، ولی دبیرستان ما نمازخانه کوچکی دارد که نصف آن فرش و بقیه موکت است.

مشکلی دیگر که در راهنمایی سمپاد با آن مواجه بودیم این است که نمازخانه ما به جای اینکه صرف امور عبادی و قرآنی شود، حدود ۷۰٪ صرف غیر از اینها می‌شود. چون رختکن نداریم نمازخانه رختکن بچه‌ها شده است. در جایی که در دیوارش نام خدا نوشته شده است.

دانش آموزان خدانشناس بدون توجه لباس خود را عوض می‌کنند. هر کس بخواهد از کلاس بگریزد یا در زنگهای تفریح بخوابد و یا کارهای دیگر، اولین جایی که می‌یابد نمازخانه است. در مجله‌ای که تازه منتشر شده بود آماری در مورد نماز جماعت دادند، من فقط این را بگویم که در این یک سالی که در دبیرستان هستم، فقط یک نماز جماعت با امام جماعت آن هم با زور و هزار اصرار برگزار شده است.

حالا از وضع دینی مدرسه که بگذریم وضع درسی خوبی نیز نداریم، هر که بخواهد از کلاس می‌گریزد یا در حین درس بازی می‌کند و فقط بچه‌های درس خوان می‌مانند.

اینجانب را ببخشید که به دلیل کوتاهی وقت و کمبود ورق، هم بد خط می‌نویسم و هم ریز. امیدواریم که به لطف الهی و توجهات شما این مشکلات از بین بروند.

از خداوند متعال طول عمر شما و این سازمان را مسئلت می‌دارم.

والسلام
با تقدیم هزاران احترام
ا.ط. اول دبیرستان...

● استعدادهای درخشان: ما معتقد نیستیم که به زور می‌شود افراد را نمازخوان و یا دیندار کرد، ولی این امر مانع از این نیست که در سرزمینی که با خون و شهادت استقلال خود را کسب کرده است، همکاران ما در تعمیق ریشه‌های ارزشی و برپایی نماز مراقبت بیشتری داشته باشند. شما هم باید در بهتر شدن جو فرهنگی مرکز خودتان با تلاش و پیگیری اثرگذار باشید.

«بسمه تعالی»

حضور محترم مسئول استعدادهای درخشان و فرزنانگان!

با عرض سلام و خسته نباشید. ما اولیاء دانش‌آموزان استعدادهای درخشان دختران شهرستان... به عرض می‌رسانیم با توجه با اینکه دانش‌آموزان این مرکز با استعداد و در صد هوشی بالا و علاقه‌مند به فراگیری علوم در سطحی درخور استعدادشان هستند، متأسفانه مسئولین این مرکز توجهی به این امر مهم و سرنوشت ساز نداشته و از دبیران با تجربه‌ای که در این راستا می‌توانند مؤثر باشند بهره نگرفته و باعث گردیده که در چند سال اخیر، درصد قبولی در کنکور دانشگاه‌ها در این مرکز پائین آمده که واقعاً دور از انتظار برای چنین دانش‌آموزانی می‌باشد. بهتر است مسئول محترم (فرزنانگان) از آقایان مدرسینی که برای تدریس و راهنمایی دانش‌آموزان برای آمادگی در امتحان المپیاد به شهرستان... اعزام شده‌اند، از جمله آقای ک. دبیر محترم ریاضی و سایرین جو یا شوید تا صحت مطالب گفته شده مورد قبول قرار گیرد. لذا از آن مقام محترم انتظار داریم آن طوری که صلاح می‌دانند تدبیری اتخاذ نمایند تا این مشکل برطرف شود و از دبیر با تجربه، به خصوص برای سالهای سوم و پیش‌دانشگاهی، استفاده گردد.

با کمال احترام
اولیاء دانش‌آموزان

● استعدادهای درخشان: متأسفانه این مشکل مربوط به استان شما هم هست. در گزارش مربوط به کنکور سراسری هم که در این شماره آمده متأسفانه استان شما در رده‌های آخر موفقیت قرار دارد. در حالی که استان شما از یک سابقه فرهنگی غنی برخوردار است.

«بسمه تعالی»

سلام بر پدر مهربان سمپاد

احتراماً می‌خواستیم به عرض برسانیم: ۱. اختلافات بین سمپاد و رؤسای سازمانهای استانها، جهت انتصاب و تعویض نمایندگی، ضربه خیلی زیادی به مدارس و دانش آموزان می‌زند و مدیران را خسته کرده. خواهشمندیم این اختلافات را به هر نحوی که صلاح می‌دانید حل نمائید.

۲. اگر ممکن است شهریه مدارس را سازمان مرکزی تعیین کند و به استانها ابلاغ نماید تا بازرسی و سازمانها بهانه‌ای نداشته باشند.

۳. آیا حتماً باید ۷٪ حق‌الثبت را به نمایندگی بپردازیم یا خیر؟

● استعدادهای درخشان: ۱. سمپاد در این راه، یعنی حل مشکلات، باکوتاه آمدن به صورت جدی تلاش می‌کند و یکی دو استان در ایران هم نمی‌تواند الگو باشد. متأسفانه عوامل محلی و درگیری‌های آن، عامل این ظلم مضاعف در استان شما و یک استان دیگر است. ۲. از آنجاکه شهریه مدارس غیرانتفاعی در استان تعیین می‌شود، لذا به همان نسبت جهت حق‌الثبت فوق برنامه‌های سمپاد هم باید استان براساس همان مبلغ استانی نظر دهد. ۳. ۷ درصد حق‌الثبت حق هیچ‌کس نیست جز خود مرکز. بنابراین در صورتی که نوع مصرف آن به ریاست سمپاد اعلام شود، صرفاً موافقت ایشان کافی است.

○ توضیح در مورد یک نامه در مجله استعدادهای درخشان شماره ۶۳: در قسمت نامه‌ها، گزارشی در مورد شرکت فرزندان بعضی از مدیران سمپاد در مؤسسات آمادگی کنکور سمپاد آمده بود که چون در ابتدای نامه ذکر سفر به شیراز و همدان شده است، مدیر همدان متعرض این نکته بود که به درج این موضوع در مورد همدان برائت می‌جوئیم، نویسنده نامه هم به مجله اعلام نموده است، در بخش انتهائی نامه به هیچوجه مراکز همدان مورد نظر نبوده است.

